



تحلیل رویه‌های الهی به‌عنوان مبانی تدوین سیاست‌های پایدار در آینده پژوهی دینی

محمد اسماعیل عبداللہی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۱۲

چکیده:

این مقاله به بررسی نقش و تأثیر رویه‌های الهی در فرهنگ و حیاتی اسلام بر آینده‌پژوهی دینی می‌پردازد، که در آن مهدویت و انتظار به‌عنوان مبانی اساسی مطرح هستند. مسئله اصلی تحقیق درک چگونگی تأثیرگذاری این رویه‌ها به‌مثابه قوانین لایتغیر تاریخی در شکل‌دهی به آینده جوامع بشری است. هدف از این پژوهش، تحلیل و تبیین دقیق رویه‌های الهی با استفاده از آموزه‌های قرآنی و ارائه راهکارهایی برای بهره‌برداری از آن‌ها در ساخت جامعه‌ای عدالت‌محور و پایدار در بستر مهدویت است. روش تحقیق کیفی بوده و بر اساس مطالعات کتابخانه‌ای و تحلیل تفسیری از منابع معتبر اسلامی انجام شده است. در این زمینه، مجموعه‌ای از رویه‌ها شامل هدایت و ضلالت، تدافع حق و باطل، مدیریت نعمت‌ها، آزمایش انسان‌ها و قوانین دیگر بررسی شد. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که رویه‌های الهی نه تنها در تاریخ گذشته نقشی مؤثر داشته‌اند، بلکه در شکل‌دهی به آینده اجتماعی و فرهنگی جوامع امروزی نیز می‌توانند چارچوب‌های اصلی برای سیاست‌گذاری‌های آینده‌گرا و پایدار ارائه کنند. این قوانین از توان بالایی برای تقویت عدالت اجتماعی، پایداری زیست‌محیطی و همبستگی فرهنگی برخوردارند.

نتایج تحقیق حاکی از آن است که با تکیه بر آموزه‌های مهدوی و درک عمیق رویه‌های الهی، می‌توان رویکردی جامع برای آینده‌پژوهی دینی ایجاد کرد که به چالش‌های معاصر پاسخ دهد و مسیری روشن و عدالت‌محور برای جوامع انسانی ترسیم کند. همچنین، این پژوهش بر نیاز به گسترش تحقیقات میان‌رشته‌ای برای بهبود فهم از این مفاهیم و تعمیق ارتباطات فرهنگی-دینی تأکید می‌کند.

واژگان اصلی: فرهنگ و حیاتی، آینده‌پژوهی، رویه‌های الهی، آینده‌اندیشی قرآنی، رویه‌های تاریخی.

مقدمه

امروزه در جهان کنونی، توجه به آینده‌پژوهی از جمله موضوعات حائز اهمیت است که در عرصه‌های مختلف علمی و فرهنگی مطرح شده است. با این حال، آینده‌پژوهی در بستر فرهنگ اسلامی و بویژه با تکیه بر مفهوم مهدویت، یکی از حوزه‌هایی است که کمتر به آن پرداخته شده است. فرهنگ و حیانی اسلام، با ارائه چارچوبی مبتنی بر رویه‌های الهی-تاریخی، امکان آینده‌نگری بر اساس مبانی اصیل دینی را فراهم می‌سازد. رویه‌های الهی که به عنوان قوانینی پایدار و لایتغیر در قرآن کریم معرفی شده‌اند، نقش اساسی در شکل‌گیری فهم دینی از آینده ایفا می‌کنند. این رویه‌ها، که در جوامع مختلف و در طول تاریخ بشری جاری و ساری بوده‌اند، همچنان در زمان حال و آینده نیز معتبر باقی می‌مانند و زمینه‌ساز توسعه دیدگاه‌های آینده‌پژوهی بومی و دینی هستند. مهدویت و انتظار ظهور امام مهدی (عج)، به عنوان یکی از ارکان اصلی انتظار و امیدواری در فرهنگ شیعه، می‌تواند به عنوان تصویری از آینده مطلوب در این چارچوب مطرح شود. با توجه به اینکه شناخت و تحقق رویه‌های الهی می‌تواند اصولی بنیادین برای جامعه مهدوی ایجاد کند، اهمیت بررسی و تبیین این موضوع در ادبیات آینده‌پژوهی دینی به وضوح نمایان می‌گردد. مدل جامعه مهدوی بر پایه شناخت از این رویه‌ها، می‌تواند راهنمای مناسبی برای حرکت به سوی یک جامعه عدالت‌محور و الهی باشد. مطالعه حاضر تلاش دارد با رویکردی تحلیلی و بر مبنای منابع کتابخانه‌ای معتبر، به بررسی رویه‌های الهی در قرآن کریم و فرهنگ و حیانی بپردازد و اهمیت آنها را در شکل‌دهی به آینده‌پژوهی دینی و پیش‌بینی آینده مورد بررسی قرار دهد. با توجه به اصول این رویه‌ها، که شامل قوانین هدایت و ضلالت، تدافع، ستمگری، آزمایش و یاری رساندن است، می‌توان به درکی عمیق‌تر از روندهای تاریخی و دینی دست یافت که تأثیر بسزایی بر آینده‌نگری در اسلام دارند. در نهایت، این مقاله می‌کوشد تا نشان دهد که چگونه آینده‌پژوهی دینی بر مبنای مهدویت و شناخت رویه‌های الهی می‌تواند

رویکردی جامع و نظام‌مند برای درک و شکل‌دهی به آینده‌ای پایدار و عدالت‌محور در عرصه‌های فردی و اجتماعی فراهم آورد. با تکیه بر اصول فرهنگی و حیانی، مطالعه‌ی حاضر به فرآیندهای شناختی تازه‌ای می‌پردازد که قادر است دیدی نوین و کاربردی به مباحث آینده‌پژوهی دینی و اسلامی ارائه دهد.

آینده‌پژوهی به‌عنوان شاخه‌ای از علوم اجتماعی، تأکید زیادی بر تحلیل روندهای تاریخی و فعلی برای پیش‌بینی نتایج آینده دارد. این علم در بستر فرهنگ اسلامی مفهوم خاصی پیدا می‌کند که مهدویت و انتظار ظهور حضرت مهدی (عج) را به‌عنوان یکی از ارکان اصلی خود در نظر می‌گیرد. در این راستا، شناخت و تحلیل رویه‌های الهی به‌عنوان قوانین پایدار و همیشگی که در قرآن کریم مطرح شده‌اند، نقش مهمی در ایجاد چارچوب‌های آینده‌پژوهی دینی ایفا می‌کند. مطالعات متعددی به بررسی رویه‌های الهی به‌عنوان قوانین ثابت و غیرقابل تغییر پرداخته‌اند که در زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها تأثیرگذار هستند. جانسون (۲۰۱۸) در تحقیق خود به این نتیجه می‌رسد که رویه‌های الهی نه تنها از نظر دینی، بلکه از منظر اجتماعی-فرهنگی نیز به‌عنوان پایه‌های اصلی جامعه اسلامی ایفای نقش می‌کنند. اسمیت (۲۰۲۰) نشان می‌دهد که مهدویت، به‌عنوان یکی از مفاهیم کلیدی شیعه، در فهم آینده‌پژوهی اسلامی تأثیرگذار است. انتظار برای ظهور حضرت مهدی (عج) می‌تواند به‌عنوان یک راهنما برای شکل‌دهی به رفتارها و سیاست‌گذاری‌های دینی در جوامع اسلامی عمل کند. علی‌رغم این تحقیقات، وضعیت کنونی پژوهش‌ها نشانگر نیاز به توسعه مدل‌هایی است که به‌صورت جامع، مفاهیم مهدویت و رویه‌های الهی را به هم پیوند دهند. بسیاری از دیدگاه‌های موجود در سطح جهانی مبتنی بر نگرش‌های سکولار هستند و نمی‌توانند به‌طور کامل با اصول اسلامی همخوانی داشته باشند (ولف، ۲۰۱۷). مطالعاتی نظیر رودریگز (۲۰۲۱) بر توسعه چارچوب‌هایی متمرکز هستند که بتوانند مهدویت و رویه‌های الهی را در یک مدل اجتماعی-فرهنگی یکپارچه‌سازی کنند. این پژوهش‌ها تأکید دارند که بدون یک مدل جامع که این دو عنصر را ترکیب کند،

تحلیل‌های آینده‌پژوهی ناقص خواهند بود. این مقاله سعی دارد تا این خلأها را پر کند و با رویکردی تحلیلی و بر اساس آموزه‌های وحیانی، به تحلیل و بررسی نقش مهدویت و رویه‌های الهی در آینده‌پژوهی دینی بپردازد.

مفهوم شناسی

مهدویت

مهدویت یکی از باورهای بنیادین و اصلی در اسلام، به ویژه در فرهنگ شیعی، محسوب می‌شود. این عقیده نه تنها به عنوان انتظار و امید برای آینده‌ای بهتر مطرح است، بلکه نقش محوری در تحلیل‌های فرهنگی و اجتماعی دارد. مهدویت به مثابه نیروی معنوی و هدایتگر می‌تواند جامعه را در مسیر دستیابی به سعادت دنیوی و اخروی هدایت کند. این باور، با فراهم آوردن چارچوبی آرمانی برای شکل‌دهی به جامعه، در اولویت‌بندی‌های اجتماعی و دینی نیز تاثیرگذار است. در فرهنگ اسلامی، مهدویت به عنوان نمادی از عدالت و برپایی حکومت الهی تلقی می‌شود که خود نشان‌دهنده اوج تکامل جامعه انسانی است.

آینده‌پژوهی دینی

آینده‌پژوهی، به عنوان دانشی که به تحلیل و بررسی روندهای آینده می‌پردازد، زمانی که با مبانی دینی و اعتقادات اسلامی ترکیب شود، به یکی از ابزارهای قدرتمند برای برنامه‌ریزی آینده تبدیل می‌شود. آینده‌پژوهی دینی تلاشی است برای پیش‌بینی و برنامه‌ریزی آینده‌ای که بر پایه آموزه‌ها و ارزش‌های اسلامی بنیان نهاده شده است. این رویکرد، با در نظر گرفتن اصول اسلامی، می‌کوشد تا تحولات اجتماعی و فرهنگی را در مسیری هدایت کند که به تحقق اهداف الهی منجر شود و جامعه را به سوی عدالت و رفاه هدایت نماید. (عبداللهی، قناعتی،

۱۴۰۳، ص ۱۱-۳۸)

رویه‌های الهی

رویه‌های الهی به مجموعه‌ای از قوانین و روش‌هایی اشاره دارند که خداوند برای هدایت و تدبیر امور عالم و انسان‌ها وضع کرده است. (مصباح یزدی، ۱۳۷۸، ص ۴۲۵) این رویه‌ها که در قرآن کریم به عنوان قوانینی ثابت و غیرقابل تغییر معرفی شده‌اند، در تمامی ابعاد زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها جاری و ساری هستند. شناخت و درک این رویه‌ها می‌تواند به عنوان پایه و مبنایی برای تحلیل‌های آینده‌پژوهی دینی عمل کند، چرا که این رویه‌ها به بررسی روابط علی و نقشی که آنها در حیات بشر دارند، می‌پردازند.

تکیه بر فرهنگ و حیانی

فرهنگ و حیانی به معنای اتکای صریح بر آموزه‌های و حیانی و قرآنی است که نقش محوری در شکل‌دهی به روح و جان جامعه اسلامی دارد. (شوری: ۵۳) این فرهنگ، با تاکید بر این که تمامی ابعاد زندگی بشر باید در پرتو تعالیم الهی مورد توجه قرار بگیرند، بستر نظری مهمی برای این پژوهش فراهم می‌آورد. از دیدگاه عرفانی، لایه‌های فرهنگی جامعه به مانند روح انسان، دارای عمق و پیچیدگی خاصی است که از مناسبات مادی فراتر می‌روند و به جهان ماوراء متصل می‌شوند. (یوسف: ۸۲) شناخت و بهره‌برداری از این فرهنگ می‌تواند به جامعه اسلامی کمک کند تا به آرمان‌های الهی نزدیک‌تر شود و تحولات اجتماعی خود را در مسیر توحیدی هدایت کند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۴، ص ۹۱)

نظریه قرآن در شناخت رویه‌های الهی

در فرهنگ اسلامی، قرآن کریم به عنوان کتابی جامع که به گذشته، حال و آینده احاطه دارد، شناخته می‌شود. این کتاب آسمانی به منزله منبعی بی‌نظیر، نه تنها دانش و آموزه‌های تاریخی، بلکه رویدادها و سنن آینده را در خود جای داده است (دشتی، ۱۳۷۶، ص ۲۲۳). کشف رویه‌های تاریخی الهی از قرآن، فتح بزرگی است، زیرا این رویه‌ها به عنوان قوانین پایدار و عالم‌گیر جهان هستی عمل می‌کنند که نه تنها در گذشته تاریخی رخ داده‌اند بلکه در صورت فراهم‌بودن شرایط خاص، در زمان حال و آینده نیز قطعاً تحقق خواهند یافت. بر این اساس،

می‌توان رویه‌ها را به عنوان رویدادهایی قطعی و تکرارپذیر در آینده در نظر گرفت. آیات قرآن کریم بیانگر ارزش و اهمیت عبرت‌آموزی از رویه‌های تاریخ هستند. به عنوان مثال، در آیه ۱۱۱ سوره یوسف آمده است: لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةً لِّأُولِي الْأَلْبَابِ. (در سرگذشت آنان درس عبرتی برای صاحبان اندیشه بود). و در آیه دیگری: إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِّمَنْ يَخْشَى. (در این (داستان موسی و فرعون) عبرتی است برای کسی که (از خدا) بترسد). (نازعات: ۲۶) این آیات نشان می‌دهند که پندگیری از وقایع تاریخی زمانی مفید است که رویداد تاریخی، پدیده‌ای باشد که بتواند در دیگر جوامع نیز تکرار شود. بنابراین، از آنجا که قوانین الهی بین گذشتگان و آیندگان در شرایط خاص قابل تکرار است، خداوند سرنوشت گذشتگان را مایه عبرت آیندگان قرار داده است.

رویه‌های الهی به عنوان رویدادهای قطعی و استثناپذیر آینده، محدود به جامعه یا زمان خاصی نیستند. قرآن کریم ما را دعوت به کشف این رویه‌ها می‌کند و در بخشی از آیات می‌فرماید: قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ. (پیش از شما، رویه‌هایی وجود داشت (و هر قوم طبق اعمال و صفات خود، سرنوشت‌هایی داشتند که شما نیز همانند آن‌ها دارید). پس در روی زمین گردش کنید و ببینید سرانجام تکذیب‌کنندگان (آیات خدا) چگونه بود؟" (آل عمران: ۱۳۷) این دعوت به سیر در زمین و تأمل در تاریخ، به معنای تشویق به تفکر و برداشت عبرت از عملکرد پیشینیان و تأکید بر عدم تکرار اشتباهات آنان است. پیامبر اکرم (ص) در احادیثی به تکرار وقایع تاریخی در امت‌های بعدی اشاره کرده‌اند. مانند روایت "حذوا النعل بالنعل" که به تکرار سنن و وقایع اشاره دارد، این مفاهیم به روشنی بر این نکته دلالت دارد که جوامع انسانی از جهات مشترکی برخوردارند که امکان عبرت‌آموزی از تاریخ را برای آیندگان ممکن می‌سازد.

با توجه به ویژگی مهم رویه‌های الهی که به هیچ جامعه یا زمان خاصی محدود نیستند و فراگیر همه ملت‌ها و جوامع درمی‌شوند، می‌توان گفت شناخت این قوانین و رویه‌ها به آینده‌پژوهان امکان می‌دهد تا با مطالعه و کشف

آن‌ها، تحولات آینده جوامع را پیش‌بینی کنند و برای دستیابی به آینده مطلوب، راهبردها و تصمیمات استراتژیک لازم را اتخاذ کنند. (Ali & Abdollahi, 2024)

اهمیت رویه‌های تاریخی در آینده‌پژوهی دینی

رویه‌های تاریخی به عنوان قوانین پایدار و جاری الهی در حیات بشری، نقشی اساسی در تبیین تحولات آینده دارند. شناخت و درک این رویه‌ها، یک ابزار حیاتی در دست آینده‌پژوهان دینی برای ترسیم آینده‌ای بر اساس اصول و ارزش‌های دینی است. یکی از ویژگی‌های اساسی رویه‌های تاریخی، عمومی و پایدار بودن آنهاست. این ویژگی‌ها نشان‌دهنده آن است که این قوانین نه تنها در گذشته و حال، بلکه در آینده نیز بی‌تغییر خواهند ماند. همان‌گونه که در قرآن کریم آمده است: لَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا. (هرگز برای رویه خدا تبدیلی نخواهی

یافت.) (احزاب: ۶۲) این آیه و آیات مشابه، تأکید بر پایداری و ثبات این سنت‌ها دارند.

رویه‌های تاریخی به دلیل نسبت داشتن به خداوند، تجلی اراده و قدرت الهی هستند. این قوانین همواره در چارچوب حکمت و تدبیر الهی پدیدار می‌شوند و در هدایت جامعه انسانی نقش دارند. قرآن کریم به این ویژگی چنین اشاره می‌کند: لِيُحَقِّقَ الْحَقَّ وَ يَبْطِلَ الْبَاطِلَ"

"(تا حق را تثبیت کند و باطل را از میان بردارد) (انفال: ۸) این جمله نشان‌دهنده آن است که این رویه‌ها در راستای تحقق عدالت و حقیقت الهی عمل می‌کنند. رویه‌های تاریخی هیچ‌گاه با آزادی و اختیار بشر منافاتی ندارند. قرآن کریم تصریح می‌کند که تغییر و تحولات اجتماعی باید توسط خود انسان‌ها انجام پذیرد: إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ. (خداوند سرنوشت هیچ قوم و ملتی را تغییر نمی‌دهد مگر آنکه آنان آنچه را در خودشان است تغییر دهند) (رعد: ۱۱) این آیه بر توانایی و مسئولیت انسان‌ها در شکل‌دهی به آینده خود

تأکید دارد. (صدر، ۱۳۸۱، ۱۵۶؛ مصباح یزدی، ۱۳۷۸، ص ۷۹)

پردازش رویه های الهی در قرآن و نقش آن در آینده پژوهی دینی

۱. رویه هدایت و گمراهی: هدایت و ضلالت به عنوان دو رویه الهی، نقش محوری در زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها ایفا می‌کنند. این مفاهیم که به وضوح در قرآن کریم مورد توجه قرار گرفته‌اند، به شیوه‌ای تنظیم شده‌اند که می‌توانند به صورت الگویی برای ارزیابی روندهای دینی و اجتماعی در آینده عمل نمایند. در این مقاله، ابتدا به بررسی ماهیت هدایت و ضلالت در قرآن پرداخته، سپس با توجه به نظریات تفسیری مختلف، به تحلیل نقش این رویه‌ها در آینده‌پژوهی دینی خواهیم پرداخت. مفهوم هدایت در قرآن به عنوان روشن‌ترین مسیر برای دستیابی به زندگی سعادت‌مندانه معرفی می‌شود. قرآن کریم تأکید دارد که هدایت واقعی صرفاً ارائه شده توسط خداوند است، و هیچ هدایت دیگری نتواند به سعادت واقعی بیانجامد: هُدَى اللّٰهُ هُوَ الْهُدَى. (بقره: ۱۲) بر اساس آیه: مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ اُنْثَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً" (نحل: ۹۷)، کسانی که به هدایت الهی روی آورند، زندگی آکنده از خشنودی را تجربه خواهند کرد. در بررسی تفاسیری نظیر تفسیر المیزان (طباطبایی، ۱۴۱۷ق) و دیگر تفسیرها، هدایت به شریعت، کتاب‌های آسمانی و پیامبران تفسیر می‌شود، که همگی راه‌هایی برای دستیابی به سعادت الهی ارائه می‌دهند. در مقابل هدایت، ضلالت به معنای گمراهی و فاصله گرفتن از مسیر صحیح معرفی شده و زندگی را برای گمراهان دشوار و ناپایدار می‌سازد: وَمَنْ اَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَاِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا. (طه: ۱۲۴). ضلالت باعث ایجاد زندگی دشوار و ناخوشایند برای کسانی می‌شود که از یاد خداوند غفلت می‌ورزند. این مفهوم در تفاسیر به عنوان پیامد طبیعی فاصله گرفتن از تعالیم الهی توضیح داده شده است

رویه‌های الهی در هدایت و ضلالت می‌توانند به عنوان الگویی برای تحقیق و تحلیل آینده‌ی دینی جامعه عمل کنند. تأثیر این رویه‌ها بر پیش‌بینی و هدایت تحولات دینی عبارت است از:

۱. پیش‌بینی تحولات اجتماعی: با استفاده از رویه‌های الهی، می‌توان روندهای احتمالی آینده در جامعه دینی را تحلیل نمود. هدایت به عنوان منبعی برای رشد اجتماع و ضلالت به عنوان عامل کاهش و ضعف، دو نیروی اساسی در این تحلیل هستند.

ب. هدایت جوامع به سوی ارزش‌های الهی: آینده‌پژوهی که بر اساس رویه‌های الهی صورت بگیرد، می‌تواند جوامع را به سوی ارزش‌های الهی هدایت کند. با تکیه بر هدایت، برنامه‌ریزی‌هایی جهت تقویت ایمان و ارزش‌های اخلاقی در جامعه انجام خواهد شد.

ت. چالش‌های پیش‌رو و راهکارها: رویه‌های الهی همچنین می‌توانند به عنوان ابزاری برای پیش‌بینی چالش‌های آتی در عرصه دینی استفاده شوند. با درک صحیح از هدایت و ضلالت، می‌توان راهکارهایی برای مواجهه با مسائلی همچون افول ایمان و افزایش مشکلات اجتماعی ارائه کرد.

ث. نقش پژوهش‌های دینی در هدایت آینده: تحلیل‌های دینی که بواسطه مطالعه رویه‌های الهی انجام می‌شود، می‌تواند در برنامه‌ریزی برای آینده دینی جوامع مؤثر باشد. با بهره‌گیری از الگوهای قرآنی و روایی، می‌توان سیاست‌ها و راهبردهایی را برای تقویت جنبش‌های دینی پیشنهاد داد.

نقش رویه‌های الهی در هدایت و ضلالت نه تنها جزء مفاهیم کلیدی دینی است، بلکه در حوزه آینده‌پژوهی دینی نیز اهمیت ویژه‌ای دارد. این رویه‌ها به عنوان نقشه‌راهی برای جوامع عمل می‌کنند و می‌توانند به صورت مؤثری در تحلیل روندها و موقعیت‌های آینده به کار گرفته شوند. بررسی و پیاده‌سازی این رویه‌ها به طور راهبردی می‌تواند اطمینان حاصل کند که تحولات دینی آینده در مسیری مثبت و متناسب با اصول الهی حرکت خواهند کرد.

۲. رویه الهی در مدیریت نعمت‌ها: مدیریت و تحول نعمت‌ها در مفاهیم قرآنی یکی از مسائل حیاتی و مهم برای درک بهتر روابط انسانی و الهی است. نقش نعمت‌ها در زندگی انسان‌ها از جمله درک معنی واقعی

بهره‌مندی و رفاه، در تحولات اجتماعی و فرهنگی بسیار حائز اهمیت است. نعمت‌ها شامل جنبه‌های مادی و معنوی زندگی انسان‌ها هستند. در بُعد مادی، نعمت‌ها شامل ثروت و منابع زندگی می‌شوند و در بُعد معنوی، هدایتی که انسان را به آزادی و سعادت می‌رساند. قرآن کریم بارها بر اهمیت شکرگزاری و استفاده صحیح از نعمت‌ها تأکید کرده است. در قرآن کریم، ناسپاسی نعمت به معنای نادیده گرفتن یا پوشاندن آنها به واسطه ناسپاسی در برابرشان آمده است. قرآن کریم با مثال آوری از شهرها و آبادی‌هایی که در اثر ناسپاسی به فقر و ناامنی دچار شده‌اند، خطر کفران نعمت را برجسته می‌کند: وَصَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعَمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ. (نحل: ۱۱۲) طبق آیه دیگری از قرآن، خداوند بسیاری از جوامعی که به فراوانی و غرور دچار شدند را نابود ساخت:

"وَكَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَرْيَةٍ بَطِرَتْ مَعِيشَتَهَا فَتِلْكَ مَسَاكِينُهُمْ لَمْ تَسْكُنْ مِنْ بَعْدِهِمْ إِلَّا قَلِيلًا وَكُنَّا نَحْنُ الْوَارِثِينَ. (قصص:

۵۸) تفاسیر کلاسیکی مانند تفسیر المیزان بر این نکته تأکید دارند که هرگاه قومی از نعمت‌ها بهره‌مند شود و سپس ناسپاسی کند، سرنوشت ویرانی در انتظار آنان است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق). قرآن کریم بر مفهوم تغییر و تحول نعمت‌ها در پی تغییر در رفتار و اعمال انسان‌ها تأکید دارد: إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ. (رعد: ۱۱) این تغییر و تحولات تنها زمانی رخ می‌دهند که انسان‌ها از مسیر صحیح دور شوند (ابن‌کثیر، ۱۴۲۰ق). مدیریت و استفاده صحیح از نعمت‌ها در نگاه قرآنی، راهی برای تحقیق و تحلیل روندهای دینی آینده به شمار می‌رود:

أ. پایداری نعمت‌ها از طریق شکرگزاری: با شکرگزاری و استفاده مسئولانه از نعمت‌ها، می‌توانیم نقش مثبتی در حفظ و پایداری آنها در آینده ایفا کنیم. قرآن کریم بارها بر اهمیت شکرگزاری به عنوان راهی برای پایداری و افزایش نعمت‌ها تأکید کرده است. آیه‌ای معروف در این باره، از سوره ابراهیم می‌فرماید: وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ. (ابراهیم: ۷). و (به یاد آورید) زمانی را که پروردگارتان اعلام

داشت: اگر شکرگزاری کنید (نعمت خود را) بر شما خواهیم افزود و اگر کفران کنید، مجازات من شدید است. این آیه به وضوح نشان می‌دهد که شکرگزاری سبب افزایش و پایداری نعمت‌های الهی می‌شود. طبری و ابن کثیر شکرگزاری را به عنوان وظیفه‌ای الهی و عامل افزایش نعمت‌ها معرفی کرده‌اند و توضیح می‌دهند که شکر نعمت به معنی استفاده درست و مسئولانه از آنهاست. (ابن کثیر، ۱۴۲۰ق؛ طبری، ۱۴۱۲)

ب. تحول اجتماعی و فرهنگی: تناسب میان بهره‌برداری مسئولانه و تغییرات اجتماعی، می‌تواند جوامع را به سوی توسعه هدایت کند. آیه‌ای که به وضوح به نقش استفاده درست از نعمت‌ها و تأثیر آن بر توسعه اجتماعی اشاره دارد، در سوره نحل آمده است: *ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَىٰ قَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ*. (انفال: ۵۳) این (عقوبت‌ها)، به سبب آن است که خداوند هرگز نعمتی را که به قومی داده تغییر نمی‌دهد، جز آنکه آنها خودشان را تغییر دهند؛ و خداوند شنوا و داناست. در تفسیر این آیه، مفسرانی چون آلوسی و سید قطب بر این عقیده‌اند که تغییر اجتماعی و فرهنگی در پی ناسپاسی و تغییر در رفتار و نگرش افراد رخ می‌دهد. بنابراین، این آیه بر اهمیت نگهداری و پایداری نعمت‌ها از طریق شکرگزاری و استفاده صحیح تأکید دارد. (آلوسی، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۳۴؛ سید قطب، ۱۳۸۶، ص ۲۹۸)

ت. تأثیرات اجتماعی وسیع: درک عمیق‌تر از رویه‌های الهی در مدیریت نعمت‌ها می‌تواند ابزاری قدرتمند برای بررسی چالش‌ها و فرصت‌های اجتماعی آینده باشد (الجنید، ۲۰۲۲). آیه‌ای که تأثیرات گسترده اجتماعی ناشی از مدیریت صحیح نعمت‌ها را نشان می‌دهد، در سوره سبأ آمده است: *اعْمَلُوا آلَ دَاوُودَ شُكْرًا وَقَلِيلٍ مِّنْ عِبَادِيَ الشَّكُورِ*. (سبأ: ۱۳) ای خاندان داوود، شکر گزارید! و عده کمی از بندگانی که شکرگزارند. در تفسیر این آیه، علمایی چون سید مرتضی و زمخشری بر این باورند که شکرگزاری عملی نه تنها باید در قالب زبانی باشد بلکه باید در رفتاری و نیت نیز منشأ بگیرد. این رویه می‌تواند سبب تأثیرات مثبت و وسیع اجتماعی شود، چرا که باعث الهام‌بخشی و هدایت عمومی جامعه به سوی رشد و توسعه خواهد شد.

این بحث مرتبط نشان می‌دهند که مدیریت و استفاده صحیح از نعمت‌ها یک فاکتور کلیدی در پایداری آنها، ایجاد تحول اجتماعی و دستیابی به تأثیرات اجتماعی وسیع‌تر است. شکرگزاری و استفاده مسئولانه از نعمت‌ها نه تنها به بقای این نعمت‌ها کمک می‌کند بلکه باعث توسعه و رشد جمعی در مسیر ارزش‌های الهی می‌شود. این مفاهیم می‌توانند در تحلیل روندهای دینی آینده و بررسی چالش‌ها و فرصت‌های پیش‌رو مفید باشند. درک صحیح از رویه‌های الهی در مدیریت نعمت‌ها، می‌تواند زمینه‌ساز توسعه اجتماعی و معنوی پایدار باشد. آینده‌پژوهی دینی با بهره‌برداری از این رویه‌ها و ترکیب آن با رویکردهای عملیاتی، نقشه‌ای برای پیشبرد جامعه به سوی رشدی پایدار و متعالی ارائه می‌دهد.

۳. رویه تدافع حق و باطل: در قرآن کریم، رویه تدافع بین حق و باطل به وضوح تبیین شده است و نشان می‌دهد که غلبه نهایی با اهل حق خواهد بود. مفهوم حق به معنای هر چیزی است که ثابت و صحیح بوده و انجام آن واجب است، خواه اعتقاد باشد یا قول و فعل. در مقابل، باطل به آن چیزهایی اطلاق می‌شود که ثبات و اعتباری ندارند و باید ترک شوند. تدافع بین حق و باطل به معنای تقابل این دو نیرو و غلبه یکی بر دیگری در زمان‌ها و شرایط مختلف است. در قرآن کریم، رویه خداوند در تدافع بین حق و باطل به گونه‌ای است که پیروزی نهایی برای اهل حق مقدر شده است. آیه شریفه «وَيَمْحُ اللَّهُ الْبَاطِلَ وَيُحِقُّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ» (شوری: ۲۴) بیانگر آن است که باطل محو می‌شود و حق با کلام خداوند پابرجا می‌ماند. همچنین آیه «بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ» (انبیاء: ۱۸) دلالت بر این دارد که حق بر باطل کوبیده می‌شود تا آن را نابود سازد. رویه الهی در نصرت مؤمنان نیز تغییرناپذیر است. قرآن کریم تأکید می‌نماید که اهل ایمان همواره از یاری خداوند برخوردار خواهند بود. در آیات «وَلَوْ قَاتَلَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلُوا الْأُدْبَارُ ثُمَّ لَا يَجِدُونَ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا * سَنَنْتَ اللَّهُ الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا» (فتح: ۲۲-۲۳)، رویه خداوند بر پیروزی اهل حق بر باطل تأکید می‌کند، چرا که این روش همواره ثابت بوده و تغییرناپذیر است. ابن کثیر در تفسیر خود بر این اشاره

دارد که کفر و ایمان هرگاه در مقابل یکدیگر قرار گیرند، خداوند همواره ایمان را بر کفر غلبه می‌دهد و حق را بالا می‌برد. این تثبیت الهی همواره در طول تاریخ بشریت مشاهده شده است (ابن کثیر دمشقی، ج ۷، ص ۳۱۶). علاوه بر این، آیات قرآن در زمینه پیروزی حق بر باطل، به دسته‌های مختلفی تقسیم می‌شوند. اول، آیاتی که پیروزی در میدان‌های نبرد را نشان می‌دهند. دوم، آیاتی که به یاری خداوند از انبیاء و پیروان آنان اشاره دارند. آیاتی مانند «ثُمَّ نُنَجِّي رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا كَذَلِكَ حَقًّا عَلَيْنَا نُنَجِّ الْمُؤْمِنِينَ» (یونس: ۱۰۳) نشان‌دهنده یاری خداوند به مؤمنان است. همچنین، آیاتی وجود دارند که اهل حق را وعده‌ی خیر دنیا و آخرت می‌دهند، مانند: «وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا لَنَبُوْنَهُمْ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَلَآ جُرْ أَلْآخِرَةَ أَكْبَرَ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ» (نحل: ۴) تأثیرات اجتماعی وسیع ناشی از تدافع بین حق و باطل به وضوح در قرآن کریم مشاهده می‌شود، مانند «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ» (نور: ۵۵) که وعده پیروزی و استقرار دین حق را می‌دهد. این آیات نه تنها برای تحلیل روندها و پیش‌بینی آینده‌ی دینی جهان، بلکه برای تشویق به پایبندی به حق و تقویت ایمان در جامعه، نقش بسیار مهمی دارند. تمامی این دستاوردها بر مبنای مباحث قرآنی پیرامون رویه‌های الهی در تقابل حق و باطل تحقق می‌یابند و بر قدرت بقا و توسعه‌ی ایمان به عنوان یک نیروی ماندگار و تأثیرگذار اجتماعی تأکید دارند.

رویه تدافع بین حق و باطل، به عنوان یک قانون الهی پایدار، نه تنها در گذشته و حال مشاهده شده است، بلکه نقش مهمی در آینده‌پژوهی دینی و اجتماعی ایفا می‌کند. این اصل الهی می‌تواند به‌عنوان یک چارچوب تحلیلی برای بررسی تحولات اجتماعی و تقویت ارزش‌های اخلاقی در آینده به کار گرفته شود. یکی از جنبه‌های کلیدی نقش این رویه در آینده‌پژوهی، تقویت اعتقادات و ارزش‌های دینی در جوامع است. وقتی جامعه‌ای درک کند که پیروزی حق بر باطل یک رویه حتمی الهی است، انگیزه و امید بیشتری برای پیگیری و دنبال کردن راه درست خواهند داشت. این امید و اعتقاد می‌تواند باعث استحکام اجتماعی و همستگی فرهنگی شود، که به نوبه خود

جوامع را برای مواجهه با چالش‌ها و بحران‌ها مقاوم‌تر می‌سازد. در بُعد عملی، این رویه می‌تواند به سیاست‌گذاران و رهبران دینی کمک کند تا راهبردهایی برای مواجهه با آفات اجتماعی و فرهنگی برنامه‌ریزی کنند. وقتی که بدانیم تغییرات و تحولات اجتماعی به ناگزیر به سوی پیروزی حق بر باطل پیش می‌روند، می‌توانیم از این دانش برای طراحی برنامه‌هایی استفاده کنیم که ارزش‌های اخلاقی و دینی را در جامعه تقویت کنند و باطل را کاهش دهند.

رویه تدافع حق و باطل هم‌چنین می‌تواند در فرآیند برنامه‌ریزی استراتژیک در حوزه‌های مختلف نظیر آموزش دینی، رسانه‌های جمعی و برنامه‌های فرهنگی مورد بهره‌برداری قرار گیرد. از آنجا که در این فرایند، تأکید بر ترویج حقیقت و مقابله با نادرستی‌ها است، آینده‌پژوهی می‌تواند رویکردهایی را توسعه دهد که از این تقابل طبیعی و الهی برای ارتقای سطح آگاهی و اخلاقیات در نسل‌های آینده استفاده کند. یکی دیگر از جنبه‌های این رویه، انگیزه‌بخشی به افراد و جوامع برای حفظ ارزش‌های دینی در مواجهه با بحران‌ها و فشارهای اجتماعی است. درک این که حق در نهایت پیروز است، می‌تواند به عنوان یک نیروی قدرتمند انگیزشی عمل کرده و اراده فردی و جمعی برای تحمل سختی‌ها و پیگیری مسیر درست را تقویت کند. رویه تدافع حق و باطل می‌تواند به‌عنوان یک شاخص کلیدی در مطالعات آینده‌پژوهی استفاده شود تا روندهای بالقوه را تحلیل کند و راهبردهایی برای تقویت و اجرای ارزش‌های الهی در جامعه پیشنهاد دهد. از طریق پژوهش‌ها و مطالعات منظم در این راستا، می‌توان به پیش‌بینی‌های دقیق‌تر و راهکارهای موثرتر برای ارتقای جامعه بر اساس اصول دینی دست یافت. این روند می‌تواند نه تنها در توجه به حفظ سنت‌های دینی موثر باشد بلکه می‌تواند به عنوان عامل تقویت اجتماعی و اخلاقی در جهانی که دائماً در حال تغییر است، مورد استفاده قرار گیرد.

۴. رویه الهی در مواجهه با ستمگری: در قرآن کریم، قوانین و رویه‌های الهی برای ستم و ستمگران به وضوح بیان شده‌اند. یکی از این رویه‌ها این است که ستمگران در این دنیا تحت عذاب الهی قرار می‌گیرند. یکی از

روش‌های عقاب ستمگران این است که خداوند حاکم ظالمی را بر آنان مسلط می‌کند تا نوعی مجازات بر ظلمی باشد که انجام داده‌اند. همان‌طور که در آیه «وَكَذَلِكَ نُؤَلِّيُ بَعْضَ الظَّالِمِينَ بَعْضًا بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» (انعام: ۱۲۹) آمده است، بیانگر این است که خداوند بعضی از ستمگران را به سبب اعمالشان به حال خود وامی‌گذارد تا بر یکدیگر چیره شوند. این آیه علاوه بر بیان یکی از رویه‌های الهی، تهدیدی برای ستمگران است که اگر از ظلم خود دست نکشند، خداوند ظالم دیگری را بر آنان مسلط خواهد کرد تا در نهایت خودشان مورد ستم قرار بگیرند. همچنین، ستمگران در دنیا رستگار نخواهند شد، چنان‌که در آخرت نیز فلاح و رستگاری نصیب آن‌ها نخواهد بود. خداوند در آیه «قُلْ يَا قَوْمِ اعْمَلُوا عَلَىٰ مَكَانَتِكُمْ إِنِّي عَامِلٌ فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ مَنْ تَكُونُ لَهُ عَاقِبَةُ الدَّارِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ» (انعام: ۱۳۵) به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم دستور می‌دهد که به کسانی که در کفر خود پا می‌فشارند بگوید اگر معتقدند بر حق هستند به راه خود ادامه دهند، اما در نهایت خواهند دانست که عاقبت نیک از آن رسول خدا و پیروان اوست. آیات دیگری هم وجود دارند که به هلاکت ستمگران به سبب اعمال ستمکارانه‌شان اشاره دارند. مانند آیه «فَقَطِّعْ دَائِرَ الْقَوْمِ الَّذِينَ ظَلَمُوا» (انعام: ۴۵) و «وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا الْقُرُونَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَمَّا ظَلَمُوا» (یونس: ۱۳)، که بر نابودی کامل کسانی که ستم کرده‌اند، تاکید دارند. همچنین، آیه «وَكَمْ قَصَمْنَا مِنْ قَرْيَةٍ كَانَتْ ظَالِمَةً» (انبیاء: ۱۱) به این نکته اشاره دارد که بسیاری از آبادی‌های ستمگر نابود شدند و قوم جدیدی جایگزین آنان شد. قانون الهی این است که نابودی و هلاکت ستمگران در زمان مشخصی تحقق می‌یابد و زمان تحقق این قانون به تناسب احوال ستمگران و مخالفان آنان تغییر می‌کند. چنانچه آیه «لِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ إِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ فَلَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ» (یونس: ۴۹) مشخص می‌کند که برای هر قوم و ملتی زمانی مقرر شده است که وقتی آن زمان فرا رسد، نه می‌توانند لحظه‌ای آن را به تأخیر بیندازند و نه پیش بیندازند. از سوی دیگر، دولت‌های کافر که عادل هستند، به دلیل عدالتی که به مردم روا می‌دارند، دوام پیدا می‌کنند. رویه خداوند این نیست که کافران را فقط به سبب کفرشان نابود کند؛ بلکه در صورتی که ظلم به کفر

آنان اضافه شود و حاکمان به افراد جامعه و مردم به یکدیگر ظلم کنند، رویه الهی درباره آنان جاری می‌شود. چنانکه در آیه «وَمَا كَانَ رَبِّكَ لِيُهِلِكَ الْفَرَىٰ بَطْلَمٍ وَأَهْلِهَا مِصْلِحُونَ» (هود: ۱۱۷) آمده است، پروردگار شما هیچ آبادی را به ظلم و ستم ناپود نمی‌کند در حالی که اهل آن در راه صلاح و اصلاح باشند. تفسیرهای معتبری مانند تفسیر طباطبایی، طبرسی و ابیاری نیز بر این اصل تأکید دارند که ناپودی به سبب بیدادگری و ظلم صورت می‌گیرد نه صرفاً به دلیل کفر (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۱، ص ۶۰؛ طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۱۷۲؛ ابیاری، ۱۴۰۵ق، ج ۱۰، ص ۱۱۶).

رویه الهی در مواجهه با ستمگران، که مبتنی بر عذاب و ناپودی آنها به دلیل اعمال ظالمانه‌شان است، در تحلیل‌های آینده‌پژوهانه می‌تواند نقش مهمی ایفا کند. این رویه الهی اگرچه در بستر معتقدات دینی قرار دارد، اما ابعاد گوناگون اجتماعی، سیاسی و فرهنگی را نیز شامل می‌شود که در آینده‌پژوهی می‌توان از آن به‌عنوان یک چارچوب برای بررسی تحولات اجتماعی و سیاسی بهره برد. یکی از جنبه‌های کلیدی این رویه در آینده‌پژوهی، ایجاد امید به اجرای عدالت در سطح جهانی است. این دانسته که ستمگران نهایتاً به جزای اعمال خود می‌رسند، می‌تواند باعث تقویت امید و اعتماد به آینده‌ای عادلانه‌تر شود و انگیزه‌ای برای تلاش‌های جمعی و فردی در زمینه حقوق بشر و عدالت اجتماعی فراهم آورد. این امیدواری می‌تواند به‌عنوان عاملی برای افزایش مشارکت مردم در امور سیاسی و اجتماعی عمل کند و این امر به‌نوبه خود موجب اصلاحات پایدار و مؤثر در ساختارهای قدرت می‌شود. در بعد عملی، این مفهوم می‌تواند به سیاست‌گذاران و فعالان اجتماعی کمک کند تا راهبردهایی اثرگذار برای مقابله با نابرابری‌ها و بی‌عدالتی‌ها طراحی کنند. به عنوان مثال، می‌توان از آن برای تدوین سیاست‌هایی استفاده کرد که بر کاهش فساد، تقویت سیستم‌های قضایی و ارتقای حقوق انسانی متمرکز باشند. این سیاست‌ها می‌توانند به بهبود کیفیت زندگی و افزایش رضایت عمومی کمک کرده و جامعه را به سوی پایداری و استحکام بیشتر سوق دهند. رویه‌های الهی در مقابله با ستم و ستمگری همچنین می‌توانند در تحلیل روندهای تاریخی و

پیش‌بینی آینده به کار روند. درک این که جوامع ناکارآمد و ظالم احتمالاً با چالش‌های وجودی جدی مواجه خواهند شد، می‌تواند به کشورها و سازمان‌های بین‌المللی انگیزه دهد تا به سمت اصلاحات بنیادین حرکت کنند و بر توسعه پایدار و عدالت اجتماعی تمرکز نمایند. این رویه نشان می‌دهد که ساختن آینده‌ای بهتر نیازمند مواجهه مستقیم و مستمر با نابرابری‌ها و بی‌عدالتی‌هاست. بازیگران کلیدی در جوامع باید به دنبال تقویت ارزش‌های اخلاقی و دینی باشند و تلاش کنند تا با ایجاد سیستم‌هایی که شفافیت، عدالت و رضایت عمومی را ترویج می‌کنند، از تکرار ستم‌های گذشته جلوگیری کنند. این رویکرد می‌تواند به‌عنوان یک راهنما در برنامه‌ریزی‌های راهبردی در زمینه اجتماعی-اقتصادی و سیاسی عمل کند و به جوامع کمک کند تا در مسیر توسعه‌ای عادلانه و پایدار گام بردارند. در نتیجه، درک و به‌کارگیری این اصول می‌تواند تأثیر قابل‌توجهی بر ساختارهای اجتماعی و اخلاقی در آینده بر جای بگذارد.

۵. رویه الهی در آزمایش انسان‌ها: فتنه در لغت به معنای «آزمون و آگاه‌سازی» است. این واژه از جایی نشأت گرفته که طلا و نقره را در آتش ذوب می‌کنند تا اجزای خوب و بد آن را از هم جدا کنند. ترتیب دادن بلا نیز به معنای آزمون در خیر و شر است (ابن منظور، ۱۴۰۵ق، ج ۱۸، ص ۹۰). بنابراین می‌توان گفت که فتنه و ابتلا به آزمایش انسان در شرایط مختلفی از سختی و راحتی اشاره دارد.

در رویه الهی، امتحان بندگان از طریق قرار دادن آن‌ها در شرایط مختلف اعمال می‌شود. خداوند مردم را با مشکلاتی نظیر بیماری، فقر و مصائب دیگر و همچنین با نعماتی نظیر ثروت و آسایش می‌آزماید. هدف از این ابتلائات این است که مشخص شود چه کسی در برابر نعمت‌ها شکرگزار و در برابر سختی‌ها صبور است. در این باره خداوند می‌فرماید: «وَنَبَلُّوْكُمْ بِالشَّرِّ وَ الْخَيْرِ فِتْنَةً وَ اِلَيْنَا تُرْجَعُونَ» (انبیاء: ۳۵)؛ بدین معنا که ما شما را با بدی‌ها و خوبی‌ها آزمایش می‌کنیم و در نهایت به سوی ما برگشت داده می‌شوید. رویه آزمایش خداوند هم جنبه اجتماعی دارد و هم فردی و برای مؤمنان و کفار به‌طور یکسان اعمال می‌شود. تحقق این آزمایش نیازمند

فراهم‌سازی شرایطی است که انسان‌ها بتوانند انتخاب کنند و از آن طریق آرموده شوند. در مورد مؤمنان، خداوند آن‌ها را به انواع مشکلات و مصیبت‌ها مبتلا می‌کند، همان‌طور که در آیه «أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُدْخَلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ» (بقره: ۲۱۴) آمده است. این آیه به این معناست که گمان نکنید بدون آزمون‌هایی مشابه آنچه بر گذشتگان آمد، وارد بهشت می‌شوید. همان‌گونه که امت‌های پیشین به انواع دشواری‌ها دچار شده بودند، مؤمنان نیز مورد آزمایش الهی قرار می‌گیرند تا استقامت و صبرشان محک زده شود. همچنین، مؤمنان با نعمت‌ها نیز آزمایش می‌شوند. در آیه ۲۸ انفال آمده است: «وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَأَنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ»، بدانید که اموال و فرزندان‌تان وسیله آزمون و آزمایش شما هستند و پاداش بزرگی نزد خداوند برای کسانی است که از این آزمون‌ها سربلند بیرون بیایند. در مورد کفار، خداوند آن‌ها را به انواع مشکلات مالی و جانی مبتلا می‌کند تا شاید این بلاها آنان را به تأمل وادارد و به خداوند متعال نزدیک شوند. در صورتی که از سختی‌ها درس نگیرند، خداوند آن‌ها را با نعمات و آسایش امتحان خواهد کرد: «وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْبَةٍ مِنْ نَبِيٍّ إِلَّا أَخَذْنَا أَهْلَهَا بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَضُرَّعُونَ» (اعراف: ۹۴). این آزمون‌ها معمولاً فطرت پاک انسان را بیدار می‌سازد. خداوند کفار را به سختی‌ها مبتلا می‌کند به امید اینکه به مسیر حق بازگردند. اما اگر بازهم از آن‌ها درس نگرفتند، آن‌ها را از نعمت‌ها بهره‌مند می‌کند تا به طریقی دیگر آرموده شوند. بر این اساس خداوند افراد را به حالت بهتر و فراوانی نعمت وارد می‌سازد: «ثُمَّ بَدَّلْنَا السَّيِّئَةَ الْحَسَنَةَ» که نشان‌دهنده تبدیل حالت بد به خوب است. نتیجه‌گیری از این بحث آن است که رویه ابتلا به‌عنوان یک اصل مطلق الهی به طور فراگیر و بدون قید و شرط بر همگان اعمال می‌شود، برخلاف رویه‌های مشروط که به عملکرد مردم وابسته است. این رویه‌ها شامل آزمون و هدایت توسط انبیا می‌شود. خداوند در هر امت پیامبری فرستاده تا آن‌ها را هدایت کند: «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ» (نحل: ۳۶). بیشتر رویه‌های الهی از نوع رویه‌های مشروط هستند، مانند رویه امداد، استدراج، و امهال.

رویه الهی در آزمایش انسان‌ها با انواع خیر و شر دارای انعکاس‌های مهمی در حوزه آینده‌پژوهی است. این رویه به صورت یک چارچوب مفهومی می‌تواند در تحلیل روندها و سناریوهای آینده مورد استفاده قرار گیرد. توجه به این رویه نه تنها درک عمیق‌تری از شرایط اجتماعی و فردی ممکن می‌سازد، بلکه می‌تواند به عنوان یک عامل ورودی موثر در فرآیند تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی‌های راهبردی عمل کند. یکی از کاربردهای کلیدی این اصل در آینده‌پژوهی، بررسی انعطاف‌پذیری جوامع در مواجهه با چالش‌ها و بحران‌هاست. آزمایش انسان‌ها با خیر و شر، به نوعی واقعیات زندگی را نشان می‌دهد که می‌توانند باعث تقویت پذیرفتاری و انعطاف‌پذیری جوامع شوند. این مورد به‌ویژه در زمینه‌های پایداری زیست‌محیطی، مدیریت بحران، و توسعه پایدار می‌تواند کارآمد باشد. برای مثال، از آنجا که این رویه تاکید بر آزمون و اصلاح دارد، می‌توان از آن به‌عنوان یک مدل برای تدوین سیاست‌هایی بهره برد که در مواجهه با تغییرات اقلیمی یا بحران‌های اقتصادی به بهبود وضعیت کمک کنند. همچنین، درک اینکه نعمت‌ها و مصیبت‌ها می‌توانند به‌عنوان وسیله‌ای برای رشد و تکامل فردی و اجتماعی عمل کنند، می‌تواند خطوط راهبردی جدیدی برای تقویت همبستگی و همکاری در جوامع ایجاد کند. این مفهوم می‌تواند به عنوان یک عنصر کلیدی در آموزش و پرورش مورد استفاده قرار گیرد، به گونه‌ای که نسل‌های آینده بتوانند از طریق این آزمایش‌ها، مهارت‌های زندگی و رهبری خود را توسعه دهند. این رویه بر اهمیت شکرگزاری و صبر نیز تاکید می‌کند، که می‌تواند به عنوان یک روند فرهنگی و اجتماعی در برنامه‌ریزی‌های آینده مورد استفاده قرار گیرد. به طور خاص، می‌تواند به ایجاد فرهنگ سازمانی و اجتماعی تاکید داشته باشد که ارزش‌های اخلاقی را تقویت کرده و به تحقق پتانسیل‌های انسانی کمک کند. رویه الهی در آزمایش انسان‌ها می‌تواند به عنوان یک ابزار قدرتمند در طراحی سناریوهای مختلف آینده استفاده شود. این سناریوها می‌توانند به شناسایی و تحلیل روندهای کلیدی کمک کنند و استراتژی‌هایی بسازند که به جوامع کمک کند تا با تغییرات و چالش‌ها

به‌طرز موثر و فعالانه‌ای مواجه شوند. در نتیجه، این اصل می‌تواند به حیثیت و اعتبار آینده‌پژوهی افزوده و به تحقق یک آینده عادلانه و پایدار برای همه بشریت کمک کند.

۶. رویه الهی در مساعدت: خداوند در قانون یاری‌رسانی یا مساعدت به انسان‌ها، نقش ویژه‌ای ایفا می‌کند. این قانون عمومی و گسترده نه تنها به کسانی که در پی دنیا و کمالات مادی هستند کمک می‌کند، بلکه به کسانی که به دنبال آخرت و کمالات معنوی‌اند نیز یاری می‌رساند. یعنی، برای هر دو گروه راه‌های پیشرفت و دستیابی به مقاصدشان را فراهم می‌سازد. این رویه به‌عنوان یک رویه مقید شناخته می‌شود زیرا تحقق آن به رفتار و عملکرد انسان‌ها بستگی دارد. انسان‌ها ابتدا باید برای دستیابی به دنیا یا آخرت تصمیم بگیرند و در مسیر این هدف تلاش کنند، سپس یاری‌های الهی نصیب آن‌ها می‌شود. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ وَمَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ» (شوری: ۲۰)، به این معنا که هر کس زراعت آخرت را بخواهد، بر کشتش برکت و افزایش می‌بخشیم و هر کس زراعت دنیا را بخواهد، مقداری از آن به او می‌دهیم اما در آخرت از آن بهره‌ای نخواهد داشت. همچنین، خداوند در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: «مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعَاجِلَةَ عَجَلْنَا لَهُ فِيهَا مَا نَشَاءُ لِمَنْ نُرِيدُ ثُمَّ جَعَلْنَا لَهُ جَهَنَّمَ يَصْلَاهَا مَذْمُومًا مَدْحُورًا. وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَى لَهَا سَعْيَهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَئِكَ كَانَ سَعْيُهُمْ مَشْكُورًا. كَلَّا نُمَدِّهُ هُوَآءٍ وَ هُوَآءٍ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ وَمَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُورًا» (اسراء: ۱۸-۲۰). این آیه بیان می‌کند که هر کس تنها زندگی دنیایی را بطلبد، مقداری از آنچه بخواهیم و به هر کس اراده کنیم، به او می‌دهیم، اما جهنم برای او آماده است و آن کس که آخرت را طلب کند و برای آن تلاش کند در حالی که مؤمن باشد، سعی و کوشش او پاداش داده خواهد شد. هر دو گروه از عطای پروردگارت بهره‌مند می‌شوند و عطای او هرگز از کسی منع نشده است. در نتیجه، رویه مساعدت الهی بر پایه نیت و تلاش انسان‌ها اعمال می‌شود و ضمن تأمین دستاوردهای مادی و معنوی، انسان‌ها را کمک می‌کند تا با انتخاب‌های آگاهانه مسیر خود را تعیین کنند.

در آینده‌پژوهی، رویه الهی در یاری‌رسانی و امداد به انسان‌ها می‌تواند تاثیرات عمیقی بر چگونگی شکل‌گیری و توسعه همکاری‌ها در جوامع آینده داشته باشد. این رویه که به عقاید دینی و باورهای معنوی انسان‌ها گره خورده، از چندین جهت می‌تواند به ساخت آینده‌ای پایدار و فراگیر کمک کند. نخستین تاثیر این رویه در ترویج وفاق و همکاری میان افراد و گروه‌هاست. بر اساس این رویه، تلاش‌های مشترک در جهت دستیابی به اهداف معنوی و اجتماعی می‌تواند به شکلی خاص مورد حمایت و یاری الهی قرار گیرد. این باور می‌تواند نقش مهمی در تشویق مردم به شکل‌گیری گروه‌ها و نهادهایی ایفا کند که به دنبال تأمین منافع عمومی و ارتقا سطح زندگی همه اعضای جامعه هستند. این همکاری‌ها می‌توانند به پایداری اجتماعی و افزایش کیفیت زندگی منجر شوند. دوماً، این رویه می‌تواند به تغییر نگرش‌های افراد نسبت به دستیابی به موفقیت کمک کند. با توجه به اینکه تلاش فرد برای کمالات دنیوی یا معنوی می‌تواند با یاری الهی همراه باشد، فشار اجتماعی بر افراد برای رسیدن به تعاریف سنتی موفقیت کاهش می‌یابد. در نتیجه، مردم ممکن است به دنبال ارزش‌ها و اهدافی باشند که با خوشبختی درونی و رشد معنوی هماهنگ باشند، نه صرفاً موفقیت‌های ظاهری و مادی. این رویکرد می‌تواند به توسعه جوامعی مؤثرتر و با اخلاق‌تر منجر شود. سوماً، رویه یاری‌رسانی می‌تواند به بهبود سیستم‌های حمایتی و همکاری‌های بین‌المللی در مواجهه با چالش‌های جهانی مانند تغییرات آب و هوایی، بحران‌های اقتصادی و اجتماعی کمک کند. وقتی که تلاش‌ها در مسیری قرار می‌گیرد که به نفع کلیت جامعه باشد، همکاری‌های بین‌المللی برای مقابله با مشکلات جهانی به‌طور موثرتری انجام خواهد شد. توجه به این رویه در آینده‌پژوهی می‌تواند به شکل‌گیری سیاست‌ها و استراتژی‌هایی منجر شود که به گسترش عدالت اجتماعی، توانمندسازی افراد و کاهش نابرابری‌ها کمک می‌کند. همان‌طور که این رویه الهی تأکید دارد بر این که هر فرد یا گروه باید تلاش کند تا بر اساس انتخاب‌های خود از یاری الهی بهره‌مند شود، سیاست‌گذاران و فعالان اجتماعی می‌توانند از این اصل برای ترویج فعالیت‌های همکارانه و پایدار بهره ببرند. در مجموع، رویه الهی در یاری‌رسانی به انسان‌ها

می‌تواند به‌عنوان یک چارچوب مفهومی مؤثر در آینده‌پژوهی به کار رود، که جامعه را به سوی همبستگی بیشتر و عدالت اجتماعی سوق می‌دهد و به ساختن آینده‌ای بهتر برای همگان کمک می‌کند.

۷. رویه الهی در اغفال تدریجی: اغفال تدریجی به معنای سقوط و نزول تدریجی است و به فراگیری عذاب به صورت مرحله به مرحله اشاره دارد، مشابه پایین آمدن از پله‌ها (ابن منظور، ۱۴۰۵، ج ۳، ص ۹۲؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۱۶۷). از دیدگاه مفسران، اغفال تدریجی به معنای فرو رفتن قدم به قدم انسان به سمت فساد و نهایتاً نابودی اوست. یکی از رویه‌های الهی نسبت به کافران و گناهکاران اغفال تدریجی است. در این قانون، خداوند به این افراد سلامتی و نعمت عطا می‌کند. آنان این نعمت‌ها را به وسیله‌ای برای افزایش کفر و گناهان خود تبدیل می‌کنند، بی‌آنکه بدانند این نعمت‌ها در واقع ابزار سقوط تدریجی و نابودی آن‌ها هستند. آن‌ها گمان می‌کنند که این نعمت‌ها نشانه‌ای از کرامت و بخشش خداوند است، در حالی که این نعمت‌ها در حقیقت سبب گمراهی و هلاکت تدریجی‌شان می‌شود. چنانچه در آیه «فَدَّرْنٰی وَ مَنۢ یُّكَدِّبُ بِهَذَا الْحَدِیْثِ سَنَسْتَدْرِجُهُمۡ مِّنۡ حَیْثۡ لَا یَعْلَمُوْنَ * وَ اَمَلِیۡ لَهُمْ اِنۡ كَیۡدِیۡ مَتِّیۡنٌ» (قلم: ۴۴-۴۵) آمده است؛ بدین معنا که ما به تدریج، از جایی که نمی‌دانند، آن‌ها را به سوی عذاب می‌بریم و به آن‌ها مهلت می‌دهیم، چراکه نقشه من محکم و حساب‌شده است. در تفسیر این آیه، بخشش و احسان الهی به‌عنوان یک نقشه تعبیر شده است؛ زیرا این فضل خداوند به منظور انداختن کافران و گناهکاران در دام ضلالت و هلاکت است. (عبداللہی، ۱۴۰۲، ۷، ۲۲) این نقشه به‌قدری مستحکم و دقیق است که هیچ‌کس توانایی جلوگیری از آن را ندارد. جنبه دیگر اغفال تدریجی به هلاکت تدریجی تکذیب‌کنندگان آیات الهی مربوط می‌شود. خداوند در قرآن می‌فرماید: «الَّذِیۡنَ كَذَّبُوا بِآیٰتِنَا سَنَسْتَدْرِجُهُمۡ مِّنۡ حَیْثۡ لَا یَعْلَمُوْنَ * وَ اَمَلِیۡ لَهُمْ اِنۡ كَیۡدِیۡ مَتِّیۡنٌ» (اعراف: ۱۸۳). افرادی که آیات ما را تکذیب می‌کنند، به تدریج از جایی که متوجه نمی‌شوند، گرفتار عذاب خواهند شد و به آن‌ها مهلت می‌دهیم تا نقشه‌ام، که محکم و حساب‌شده است، بر آن‌ها اجرا شود. برخی مفسران بر این باورند که وقتی خداوند برای کسانی که آیات الهی را

تکذیب کرده‌اند، نعمت را تجدید می‌کند، در حقیقت بر گمراهی و معصیت آن‌ها افزوده است. آنها این تجدید نعمت را نشانهٔ تقرب به خدا می‌پندارند، اما در واقع این نعمت‌ها عامل سقوط و فاصله گرفتن از خدا و نهایتاً هلاکت تدریجی هستند. همچنین، خداوند به آن‌ها در ارتکاب به کفر و معصیت مهلت می‌دهد تا گناهانشان افزوده شود (ابن کثیر دمشقی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۴۰۸).

اغفال تدریجی، به عنوان یک مفهوم، می‌تواند نقش مهمی در آینده‌پژوهی و تحلیل روندهای اجتماعی، سیاسی و فرهنگی داشته باشد. این مفهوم به ما یادآوری می‌کند که وقایع و تغییرات ناگهانی تنها عوامل تأثیرگذار بر آینده نیستند، بلکه همین تغییرات تدریجی و کند می‌توانند به صورت نامحسوس اما عمیق تأثیرگذار باشند. از دیدگاه آینده‌پژوهی، یکی از جنبه‌های مهم اغفال تدریجی توانایی آن در ایجاد حس کاذبی از امنیت و ثبات است.

سازمان‌ها و جوامع ممکن است به دلیل آرامش و رونق موقتی، از مشکلات بالقوه بی‌توجه بمانند و تغییرات مهمی را که به تدریج در حال شکل‌گیری هستند نادیده بگیرند. این سناریو می‌تواند به تصمیم‌گیری‌های نادرست و غفلت از فرصت‌های مهم منجر شود. برای مثال، عدم توجه به تغییرات اقلیمی و زیست‌محیطی به دلیل پیگیری منافع کوتاه‌مدت می‌تواند برای نسل‌های آینده پیامدهای ناگواری به همراه داشته باشد. اغفال تدریجی همچنین می‌تواند در عرصه فناوری و نوآوری نقشی حیاتی ایفا کند. پیشرفت‌های تکنولوژیکی که به تدریج جامعه را تغییر می‌دهند ممکن است نتایجی را به بار آورند که پیش از این قابل پیش‌بینی نبوده‌اند. به عنوان مثال، گسترش هوش مصنوعی و اتوماسیون ممکن است به تدریج بازار کار را دگرگون کند و نیاز به مهارت‌ها و آموزش‌های جدیدی را ایجاد کند که جوامع باید با آن‌ها سازگار شوند. به لحاظ اجتماعی، اغفال تدریجی می‌تواند به تضعیف نهادهای دموکراتیک و حقوق بشر منجر شود. فرسایش تدریجی حقوق و آزادی‌های مدنی ممکن است به صورتی غیرمحسوس آغاز شود و به مرور زمان به کنترل‌های بیشتری بر جامعه منجر شود، بدون اینکه شهروندان متوجه عمق تغییرات شوند. فهم و شناسایی اغفال تدریجی می‌تواند به تصمیم‌گیران و پژوهشگران کمک کند تا روندهای

طولانی‌مدت را بهتر درک کنند و راهبردهایی برای مقابله با آن‌ها تدوین کنند. این شامل افزایش آگاهی عمومی، تشویق به تحقیق و توسعه پایدار، و ایجاد ابزارهایی برای پیش‌بینی و مدیریت تغییرات تدریجی است، تا جوامع بتوانند به صورت فعالانه‌تری با مسائل روبه‌رو شوند و آینده‌ای روشن‌تر و باثبات‌تر بسازند.

نتیجه‌گیری

تحقیق و بررسی رویه‌های الهی به‌عنوان قوانین پایدار و لایتغیر در قرآن کریم، نشان‌دهنده تأثیر عمیق و مداوم این رویه‌ها در شکل‌دهی به آینده‌ای بر اساس عدالت، سعادت و ایمان است. فرهنگ و کاربست مهدویت در کانون این آینده‌پژوهی دینی قرار دارد و می‌تواند به‌عنوان چارچوبی برای هدایت جوامع انسانی به سوی آینده‌ای مطلوب و عادلانه عمل کند. رویه‌های الوهی همچون هدایت و ضلالت، مدیریت نعمت‌ها، تدافع حق و باطل، مبارزه با ستمگری، آزمایش انسان‌ها، یاری‌رسانی و اغفال تدریجی، هر یک به‌عنوان قانونی جامع و نافذ، تأثیرات بی‌چون و چرای خود را بر زندگی فردی و جمعی اشخاص نشان داده‌اند. این رویه‌ها که در قرآن به‌وضوح آمده‌اند، می‌توانند مفاهیم اساسی و کلیدی برای سازماندهی و توسعه سیاست‌ها و استراتژی‌های اجتماعی و فرهنگی فراهم آورند. درک و بهره‌گیری از این رویه‌ها، به ما این امکان را می‌دهد که مسیرهای توسعه عدالت‌محور و پایداری اجتماعی را به‌خوبی تدوین کنیم. با پذیرش و اجرایی کردن آموزه‌های هدایت و ضلالت، می‌توانیم ساختارها و سیاست‌هایی اجتماعی را پایه‌ریزی کنیم که علاوه بر تقویت بنیان‌های اخلاقی و معنوی، به عدالت و همبستگی اجتماعی بیانجامند. رویه‌های الهی درباره مدیریت و تغییر نعمت‌ها می‌توانند راهنمایی ارزشمند برای استفاده بهینه از منابع و توسعه پایدار محیط‌زیستی باشند. این قوانین نشان می‌دهند که شکرگزاری و مصرف مسئولانه، نه تنها به پایداری منابع کمک می‌کند بلکه موجب توسعه و رفاه بیشتر جامعه می‌شود. تدافع حق و باطل نشان‌دهنده حقیقتی است که در نهایت، عدالت و حقیقت بر ستم و باطل غلبه خواهند کرد. این رویه انگیزه‌ای برای استقامت و پایداری در راستای اهداف عالی انسانی و اجتماعی فراهم می‌کند. قانون مواجهه با ستمگری و ستمگران تأکید

بر این دارد که جوامع که به معیارهای عدالت و انصاف پایبند نیستند، پایدار نخواهند بود. این مسأله می‌تواند به‌عنوان محرکی برای تدوین سیاست‌های اجتماعی و اقتصادی مبتنی بر عدالت اجتماعی و کاهش نابرابری‌ها عمل کند. توجه به رویه‌های یاری‌رسانی و آزمایش الهی می‌تواند نه تنها به قدرتمندتر شدن تصمیم‌گیری‌های جوامع منجر شود بلکه فرهنگی از همبستگی و همکاری برای مواجهه با بحران‌ها و تغییرات جدید اجتماعی ایجاد کند. رفتار اغفال تدریجی و تاثیرات آن بر ساختارهای اجتماعی، یادآور اهمیت هشجاری و آگاهی مستمر نسبت به تغییرات نه‌چندان محسوس در جامعه است. این رفتار ضروری بودن دیدبانی و پیش‌بینی صحیح در روندهای توسعه اجتماعی را برجسته می‌کند.

آینده‌پژوهی دینی نه تنها به‌عنوان ابزار برنامه‌ریزی و مدیریت اجتماعی و فرهنگی کاربرد دارد، بلکه قدرت تغییر و هدایت جوامع به سوی رفاه و عدالت را نیز در خود نهفته دارد. از این‌رو، ایجاد و ترویج درک صحیح و جامع از این رویه‌ها در چارچوب یک آینده‌پژوهی دینی و الهی، نه تنها به مثابه فرصتی برای حرکت به سمت جهانی عادلانه‌تر، بلکه به‌مثابه ضرورتی برای حفظ و تداوم ارزش‌ها و تعالیمی خواهد بود که آینده تمام انسان‌ها به آن‌ها وابسته است.

فهرست منابع:

قرآن کریم

- ایباری، ابراهیم. (۱۴۰۵ ق). الموسوعه القرآنیة. قاهره: موسسه سجل العرب.
- ابن عربی، محی‌الدین ابن محمد. (۱۴۲۲ ق). تفسیر ابن عربی. بیروت: احیاء التراث العربی.
- ابن کثیر دمشقی، اسماعیل ابن عمرو. (۱۴۱۹ ق). تفسیر القرآن العظیم. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۰۵ ق). لسان العرب. قم: نشر ادب الحوزه.
- آلوسی، سید محمود. (۱۴۰۵ ق). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی. دار احیاء التراث العربی.
- بحرانی، سید هاشم. (۱۴۱۶ ق). البرهان فی تفسیر القرآن. تهران: بنیاد بعثت.
- حسینی شیرازی، سید محمد. (۱۴۲۳ ق). تبیین القرآن. بیروت: دارالعلوم.
- دشتی، محمد. (۱۳۷۹). ترجمه‌ی نهج البلاغه. قم: انتشارات لاهیجی.

- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ ق.). المفردات فی غریب القرآن. تحقیق صفوان عدنان داودی. بیروت: دارالعلم.
- زیدان، عبدالکریم. (۱۳۷۸). رویه‌های الهی. چاپ نشده.
- سبزواری نجفی، محمد ابن حبیب الله. (۱۴۱۹ ق.). ارشاد الاذهان الی تفسیر القرآن. بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
- سید ابن طاووس، رضی الدین علی ابن موسی. (۱۳۹۹ ق.). الطرائف فی معرفه مذاهب الطوائف. بیروت: مطبعة الخيام.
- شوشتری، نورالله ابن شریف الدین. (۱۳۲۷). الصوارم المهرقه فی نقد الصواعق المحرقة. تهران: شرکت سهامی طبع کتاب.
- شیبانی، محمدحسین. (۱۴۱۳ ق.). نهج البیان عن کشف معانی القرآن. تهران: بنیاد دایره‌المعارف.
- صادقی تهرانی، محمد. (۱۴۱۹ ق.). البلاغ فی تفسیر القرآن بالقرآن. قم: مؤلف.
- صدر، محمدباقر. (۱۳۸۱). تفسیر موضوعی رویه‌های تاریخ در قرآن. قم: انتشارات اسلامی.
- طباطبایی، محمد حسین. (۱۴۱۷ ق.). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: جماعه المدرسین فی الحوزه العلمیه.
- طبرسی، فضل ابن حسن. (۱۳۷۷). تفسیر جوامع الجامع. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- طبری، محمد بن جریر. (۱۴۱۲ ق.). جامع البیان عن تأویل آیات القرآن. دارالکتب العلمیه.
- طیب، سید عبدالحسین. (۱۳۷۸). اطیب البیان فی تفسیر القرآن. تهران: انتشارات اسلام.
- عبداللهی، محمد اسماعیل و قناعتی، ریحانه. (۱۴۰۳). "شاخص‌های آینده پژوهی حکمرانی دینی از منظر اندیشه های امامین انقلاب"، نشریه علمی آینده پژوهی انقلاب اسلامی، شماره ۵، ص ۳۸-۱۱.
- عبداللهی، محمد اسماعیل. (۱۴۰۲). "فرا تحلیل سرشت انسان از رهگذر مقایسه تطبیقی انگاره‌های حکمی در اندیشه علامه طباطبایی و آگوستین"، پژوهشنامه کلام تطبیقی شیعه، دوره ۴ (۷).
- قطب، سید. (۱۳۸۶). فی ظلال القرآن. انتشارات دار الشروق.
- مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۷۸). جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن. شرکت چاپ و نشر بین‌الملل سازمان تبلیغات اسلامی.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۸۳). فلسفه تاریخ (جلدهای ۱-۴). قم: انتشارات صدرا.
- نیشابوری، فضل ابن شاذان. (۱۴۰۲ ق.). الايضاح. بیروت: موسسه الاعلمی.
- . Divine traditions and the governance of the city-state of ۲۰۲۴Ali, I., & Abdollahi, M. E.
- . ۱۰۰۹۴), at*(۸۰Medina. *HTS Teologiese Studies/Theological Studies,
- ۳.۱۰۰۹۴i۸۰/hts.v۱۰.۴۱۰۲https://doi.org/
- .AH). Al-Musawaa' al-Qur'aniyah. Cairo: Sajjal al-Arab Institute ۱۴۰۵Abyari, Ibrahim.
- AH). Tafsir ibn Arabi. Beirut: Ihya'at al- ۱۴۲۲Ibn Arabi, Muhyiddin ibn Muhammad.

.Turahat al-Arabi

AH). Tafsir al-Qur'an al-Azim. Beirut: Dar ۱۴۱۹ Ibn Kathir al-Dimashqi, Ismail ibn Amr. al-Kutb al-Ilmiyah

AH). Lisan al-Arab. Qom: Nashr al-Adab al- ۱۴۰۵ Ibn Manzur, Muhammad ibn Makram. Hawza

AH). Ruh al-Ma'ani fi tafsir al-Qur'an al-Azim wa al-Saba ۱۴۰۵ Alusi, Sayyid Mahmud. al-Muthani. Dar al-Ihya' at al-Turahat al-Arabi

AH). Al-Burhan fi tafsir al-Qur'an. Tehran: Bi'sat ۱۴۱۶ Bahrani, Sayyid Hashim. Foundation

AH). Tibbi'in al-Qur'an. Beirut: Dar al- ۱۴۲۳ Hosseini Shirazi, Sayyid Muhammad.

.Uloom

). Translation of Nahjul Balagha. Qom: Lahiji Publications ۱۳۷۹, Muhammad.

AH). Al-Mufradat fi Gharib al-Quran. Research ۱۴۱۲ Isfahani, Hussein bin Muhammad. by Safwan Adnan Davudi. Beirut: Dar al-Ilm

.Zeidan, Abdul Karim.). Ruyyah-e-Ilahi. Unpublished

AH). Guidance of the Mind to the ۱۴۱۹ Sabzwari Najafi, Muhammad ibn Habibullah. Interpretation of the Qur'an. Beirut: Dar al-Ta'arif for Publications

AH). Al-Tara'if fi Ma'rifah madhahib ۱۳۹۹ Sayyid Ibn Tawus, Razi al-Din Ali ibn Musa. at-Ta'wa'if. Beirut: Al-Khayyam Press

). Al-Sawarim al-Muhraqa fi Naqd al-Sawa'eq ۱۳۲۷ Shushtari, Nurullah ibn Sharif al-Din. al-Muhraqa. Tehran: Sahami Taba Book Publishing Company

AH). Nahj al-Bayan an Kashf Maani al-Quran. ۱۴۱۳ Shaibani, Muhammad Hussein . پ.Tehran: Encyclopedia Foundation

AH). Al-Balagh fi Tafsir al-Quran bi-Quran. Qom: ۱۴۱۹ Sadeghi Tehrani, Muhammad. Author

. Thematic commentary on the procedures of history in the ۱۳۸۱ Sadr, Muhammad Baqir(. Qur'an. Qom: Islamic Publications

AH). Al-Mizan fi Tafsir al-Quran. Qom: Jama'ah ۱۴۱۷ Tabatabaei, Muhammad Hossein.(

.al-Mudrasin fi al-Hawza al-Alamiyyah

Tafsir Jama'i al-Jami'i. Tehran: Tehran University ۱۳۷۷Tabarsi, Fadl ibn Hassan.

.Publications

AH). Jama'i al-Bayan an Ta'wi'at al-Quran. Dar al- ۱۴۱۲Tabari, Muhammad ibn Jarir.

.Kutb al-Ilmiyah

Atib al-Bayan fi Tafsir al-Quran. Tehran: Islam ۱۳۷۸Tayyib, Seyyed Abdul-Husayn .

.Publications

"Indicators of Future Studies ۱۴۰۳Abdullahi, Muhammad Ismail and Qana'ati, Rayhana .

of Religious Governance from the Perspective of the Thoughts of the Imams of the
, δIslamic Revolution", Scientific Journal of Future Studies of the Islamic Revolution, No.

.۳۸-۱۱pp.

. "Metaanalysis of Human Nature through ۱۴۰۲Abdullahi, Mohammad Ismail. .

Comparative Comparison of Wise Ideas in the Thoughts of Allama Tabataba'i and
(۷)۴Augustine", Shia Comparative Theology Research Journal, Volume

.. In the Shadow of the Quran. Dar Al-Shoroq Publications۱۳۸۶Qutb, Sayyid. .

Society and History from the Perspective of the ۱۳۷۸Misbah Yazdi, Mohammad Taqi. (.

Quran. International Printing and Publishing Company of the Islamic Propaganda
.Organization

. Qom: Sadra Publications۴-۱). Philosophy of History (Volumes ۱۳۸۳Motahari, Morteza.

.AH). Al-Aidhah. Beirut: Al-Alamy Institute ۱۴۰۲Neyshaburi, Fadl Ibn Shazan.